

شیخ محمد علی تهرانی
(اجازه)

آقا شیخ محمد علی - بنده هم چنین
بیان آقای آقا سید یعقوب را میخواستم
عرض کنم که فرمودند

وئیس - آقای مشار اعظم
(اجازه)

مشار اعظم عرضی ندارم
رئیس آقای تدین

تدین عرضی ندارم
رئیس آقای رهنما

رهنما عرضی ندارم
رئیس آقای دست غیب

دست غیب عرضی ندارم
رئیس آقای ضیاء الملک

ضیاء الملک عرضی ندارم
رئیس آقای اخگر

اخرگ عرضی ندارم
رئیس - آقای نصره الدوله

(اجازه)

نصرت الدوله - چون تقاضای راپرت
کمیسیون فقط برای دستور جلسه آتیه
شد لازم است خاطر آقایان را متذکر کنم

که کمیسیون در جلسه اخروش که پیرروز
بود کار لایحه فقط را با موافقت دولت
کاملاً تمام کرد و علت تاخیر تقدیم خبر

بمقام ریاست این بوده است قبل از اینکه این
خبر مطابق اصلاحاتی که در کمیسیون شده
نوشته و امضاء شود لازم بود که از طرف

وزراء صورت فرانسه مصدق و ممضای
آن بخبر کمیسیون داده شود که احتیاطاً
اشتباهی نشود و مخبر کمیسیون که ممضی

این راپرت است از مسئولیت بری باشد
این تقاضا را در کمیسیون از وزیر خارجه
وزیر مالیه بنده نمودم دیشب در کمیسیون

خارجه آقای وزیر امور خارجه صورت
امتیاز را بفرانسه با استثنای سه ماده اخیر
که هنوز حاضر نشده بود در ظرف امروز

یا فردا از طرف وزیر امور خارجه ببنده
خواهد رسید و پس از آن راپرت تقدیم
مقام ریاست خواهد شد.

رئیس دیگر فرمایشی نیست .
(گفتند خیر)
(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم
شد)

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک
م- شهاب - منشی معظم السلطان
جلسه ۴۴

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه
سوم ذیحجه ۱۳۴۲ مطابق
پانزدهم برج سرطان ۱۳۰۳

(مجلس سه ساعت و نیم قبل از ظهر
بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل
گردید)

(صورت مجلس یوم پنجشنبه دوازدهم
سرطان را آقای آقا میرزا شهاب الدین

قرائت نمودند)

رئیس - آقای شیخ العراقین زاده.

(اجازه)

شیخ العراقین زاده - بنده را جزء
غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتی که
قبلاً اجازه خواسته ام .

رئیس - تحقیق میشود اگر اشتباهی
شده باشد رفع میشود .

آقای امیر حشمت .
(اجازه)

امیر حشمت - بنده را جزء دیر
آمدگان بی اجازه نوشته اند در صورتی که
هنوز مجلس دائرنشده بود بنده آمده

بودم .

رئیس - فرق نمیکند اگر از ساعت
چهار قبل از ظهر دیرتر تشریف بیاورید جزء
دیر آمدگان هستید صورت مجلس دیگر

مخالفی ندارد ؟
(اظهاری نشد)

رئیس اعتبارنامه آقای امیر احتشام
مطرح است . آقای آقا سیرزا شهاب -
الدین .

(اجازه)

آقا میرزا شهاب - از بیانات این دو
روزه بنده و خواندن دوسیه آقایان نمایندگان
را کسالت گرفته بعلاوه احتمال می دهم

پاره گوش ها هم حاضر برای شنیدن حقایق
نباشد
نجات - صحیح است -

آقا میرزا شهاب - از اینکه بنده از
خواندن تمام اوراق دوسیه صرف نظر میکنم اگر
دوسیه خوانده میشد بعضی حقایق دیگر هم

بر همه آقایان مکشوف میشد.
سردار معظم - استدعا میکنم تمام دوسیه
خوانده شود.

آقا میرزا شهاب - چون می باید
بخوانم بنابراین بنده هم بطور اختصار
عرض میکنم والبته آنچه را که میبایستی

خاطر شریف آقایان مستحضر شود از
جریان انتخابات هم مستحضر شده است و
خواندن يك قسمت دوسیه مکررات خواهد

بود فقط يك قسمت که مانده است این است که باز
بطور خلاصه عرض میکنم در انتخابات بم
بعد از اینکه يك خلاف قانون هائی شد انجمن

اولی و دومی ادامه پیدا نکرد و انجمن
سومی تشکیل شد در کابینه آقای مشیرالدوله
که هم ریاست وزرائی وهم وزارت داخله

باشخص ایشان بود انتخابات را توقیف
کردند یعنی انتخابات را توقیف نکردند يك
جریان غلطی را توقیف کردند برای اینکه

مفتش بفرستند و تحقیق کنند زیرا برای
دولت معلوم نشد که انحلال انجمن اولیه بر طبق
چه قانونی بوده و مجوز قانونی و ماده

قانونی که بآن استدلال می شود که بموجب
آن ماده انجمن اولیه منحل شده است این

را ندانستند از این جهت تشکیل انجمن سوم
و جریان انتخابات را غلطو برخلاف قانون
دانسته و آن جریان غلط را توقیف نمودند

برای اینکه کسی نتواند بگوید توقیف
انتخابات خلاف قانون است و انتخابات
توقیف شدنی نیست خیر انتخابات را توقیف

نکردند يك جریان غلطی را توقیف کردند
و ایشان ریاست وزرائی و وزارت
داخله را عهده دار بودند یعنی خودشان را

بر ریاست وزراء معرفی کرده بودند و وزیر
داخله هم بودند و اینکه امر بتوقیف این
جریان غلط انتخابات دادند بواسطه این

بوده است که مقام وزارت داخله را دارا
بودند چون امر انتخابات مربوط و منوط
بوزارت داخله است و آن تلگرافی که در

جلسه گذشته عرض کردم آقای سردار
معظم اظهار داشتند از طرف ریاست
وزراء در باب رفع توقیف انتخابات مخابره

شده خودشان يك نسخه گرفته بنده هم
سواد آنرا گرفته ام این است که
میخوانم :

کرمان - ایالت جلیله از قرار اطلاعات
واصله انتخابات بم را توقیف کرده بدبطوری
که آگاه هستید انتخابات قانوناً تعطیل

پذیر نیست بنابراین لازم است جریان
انتخابات آنجا را میسر ساخته معطل نگذارید
این جا جائی است که گمان می کنم آقای

سردار معظم نخواسته اند عبارت فارسی
را توجه بفرمایند بجهت اینکه در کابینه حاضره
این تلگراف شده است و چون سوابق این

امر حضور آقای رئیس الوزراء عرض نشده
بوده است و فقط يك تلگراف کرده بدند
که انتخابات بم بر خلاف قانون توقیف

شده است البته وقتی که يك همچو تلگرافی
پسود که علت توقیف انتخابات بم چیست
لازمه اش يك همچو تلگرافی است این

تلگراف چه می گوید ؟ میگوید انتخابات
بم را چرا توقیف کرده اید ایشان وظیفه
شان این بوده است وقتی این تلگراف

باین می رسد مثل اینکه يك نسبت خلاف قانونی
بایشان داده شده باشد باید فوری از خودشان دفاع
بکنند و ریاست وزراء تلگراف کنند

که من انتخابات را توقیف نکرده ام بامر
ریاست وزراء وقت و بامر وزارت داخله
توقیف شده ایشان باید این دفاع را از

خودشان بکنند نه اینکه همین مسئله
را مغتنم شمرده و همان آرائی که شرحش
را عرض کرده ام شروع بخواندن نمایندند

و بالاخره چون دولت فعلی کاملاً از
جریان انتخابات مطلع نبوده اند از این
جهت امر صریح برفع توقیف نمی کنند

همین قدر تلگراف می کنند که لازم است
جریان انتخابات آنجا را میسر سازید دیگر
هیچ ندارد که رفع توقیف بکنند البته نظر

دولت از این تلگراف این بوده است که
از نقطه نظر قانون آنچه را که باید مراعات

کنید و انتخابات را بجریان اندازید میسر
ساختن انتخابات این است که والی وقت
هر گاه نظریه خصوصی نداشته باشد باید

تلگراف کند بوزارت داخله و بآن اداره
که مربوط باین کار است که يك چنین
تلگرافی از طرف ریاست وزراء بمن

رسیده تکلیف چیست بنا بر این تلگراف
آن سندی که ایشان بخواهند برای ایشان
باشد در ادامه دادن يك انتخابات غلطی

که رئیس الوزراء و وزیر داخله وقت آنرا
غلط دانسته و در اثر غلط دانستن آن
انتخابات را توقیف کرده است نخواهد

بود و نباید آنرا سند قرار بدهند برای
آن . گمان میکنم آقای مخبر هم خلاصه
عرایض بنده را یادداشت فرموده اند حالا

وجداناً چطور دفاع نمایند البته خودشان
فکر کرده اند .

خلاصه چون امروز مختصراً
میخواهم عرض کنم همینقدر عرض میکنم خلاف
قانونهائی که شده یکی انحلال انجمن اولیه

است که چه آقای مخبر دفاع بفرمایند و چه
آقای سردار معظم یا آقای دیوانبیکسی باید
یکماده از قانون را ارائه بدهند که بر طبق

آنماده قانون انجمن را منحل کرده باشند
یکی هم اعلان سه روزه انجمن سومی است
که در صورت مجلس که قبلاً خوانده شد سه

روز مینویسد که اینهم برخلاف صریح
قانونست

اگر انجمن سومی عملیات انجمن اول
را صحیح دانسته اند پس خوب بود تفرقه
هائی هم که انجمن اولیه داده است آرائش

را بپذیرند نه اینکه آنها را لغو کنند و اگر
عملیات انجمن اولیه را صحیح نمیدانسته اند
چنانچه لغو هم کرده اند و معلوم میشود صحیح

ندانسته اند بهتر این بود مطابق قانون
انتخابات مدتی که برای اخذ رأی و دادن
تفرقه معین شده آنرا مراعات میکردند

مقصود بنده از این اظهارات استحضار
خاطر نمایندگان محترم و قضاوت و حکمیت
آنها بود ولی متأسفانه باز هم متأسفانه يك

چیز هائی را که واقع شده و يك انتخاباتی
که شده و در این مجلس از اعمال آن انتخابات
شکایت میشود خود آنها در مجلس حاضرند

و دفاع میکنند و در هیچ ملک و هیچ کجا
گمان نمیکنم اینطور باشد که يك کسی که
در يك موضوعی از او شکایت میکنند خود

او مدافع باشد و رأی هم بدهد برای صحت
عمل خود

در حقیقت اینهم يك قضاوت نوظهوری
است ولی چه میتوان کرد قانون انتخابات
ما اینطور است

در دوره چهارم که قانون انجمن بلدی به
نوشته میشد بيك چنین ماده رسیدیم که
هر گاه کسی از جریان انتخابات بلدی یا

انجمن نظار شکایت داشته باشد پس از
تشکیل انجمن در ظرف يك هفته شکایت
خودش را بانجمن بلدی اظهار کند و بنده

چون عضو حکمسیون داخله بودم اظهار

با اینکه جلسه ختم شود و چون خود بنده یکی از افراد اکثریتم اصولاً موافق نیستم که این اظهارات بشود و عرض میکنم که ایشان بیایند و مطالب خودشان را اظهار کنند و هر حرفی دارند بزنند و مجلس رأی میدهد.

رئیس - عده کافی نیست + جلسه را ختم می کنیم جلسه آتیه روز سه شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور هم دستور امروز (مجلس يك ساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤمن الملك
منشی - شهاب - معظم السلطان

جلسه ۳۵

صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه هفدهم
سرطان ۱۳۰۳ برابر پنجم
ذیحجه ۱۳۴۲
(مجلس سه ساعت قبل از ظهر
بریاست آقای مؤمن الملك
تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم یکشنبه یا نهم
سرطان را آقای آقا میرزا شهاب الدین
قرائت نمودند)

رئیس - نسبت بآرائی که درباره
وکالت آقای امیر احتشام گرفته شده نوشته
شده است عده حضار صدو هفت نفر بوده .
اشتباه شده عده حضار صدو هشت نفر بوده
است. آقای حاج میرزا عبدالوهاب
(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده در صورت
مجلس عرضی ندارم
رئیس - آقای قائم مقام
(اجازه)

قائم مقام - بنده در دستور عرض
دارم .

رئیس - آقای آفاسید یعقوب
(اجازه)

آفاسید یعقوب - بنده هم در دستور
عرضی دارم .

رئیس - خوب نسبت بصورت مجلس که
ایرادی نیست؟
(گفته شد خیر)

رئیس - دستور امروز قبلاً چند فقره
اعتبارنامه است. آقای حاج میرزا عبدالوهاب
راجع بچه مطلب است؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده خواستم
يك سؤالی از مقام ریاست بکنم که تکلیف
مذاکره آقای ملک الشعراء چیست؟ آیا
بایشان اجازه داده میشود یا نه؟ و کلیتاً
میخواهم ببینم که آقایان و کلاء اجازه دارند
نطق بکنند یا نه و همینطور آقای ملک الشعراء
حق دارند حرف بزنند یا خیر؟ اگر اختصاص
بایشان داده که بنده عرضی ندارم

رئیس - از بنده چرا سؤال میکنید؟
حاج میرزا عبدالوهاب - برای اینکه
مقام ریاست هستید .